

خیلواکی



استقلال

www.esteglaal.net

سه شنبه ۰۲ دسمبر ۲۰۲۵

فیروزه وفا

"بهار آمد که یار جانم بر آید"

با مطالعه چهاربیتی ها در وبسایت ملی استقلال - خیلواکی به یاد روزگاران پار افتادم و ناگهان چند چهاربیتی زمان جوانی در فکرم خطور نمود که با خوانندگان محترم شریک می سازم.

بیا یار جان که با هم یار باشیم

به زیر پرده انار باشیم

به زیر پرده انار شرین

گهی خواب و گهی بیدار باشیم

مه قربان سر دروازه می شُم

صدایت میشنوم ایستاده می شُم

صدایت می شنوم از دور و نزدیک

مثال غنچه گل تازه می شُم

تو که دوری مه که دورم چه حاصل

تو که تاکی مه انگورم چه حاصل

تو که تاکی هزاران ریشه داری

مه که خوراک زنبورم چه حاصل

تو رفتی بیوفا یادم نکردی

salamwatanam@gmail.com

به کاغذ نامه شادم نکردی
به مکتب خانه عشق تو بودم
سبق دادی و استادم نکردی

دم دیگر سر راهت بشینم
به امیدی که دیدارت ببینم
دیگر ارمان نماند بر دل من
اگر یکبار به چشمانت ببینم

اگر قول مرا بشکسته باشی
به غم های جهان آغشته باشی
کلام الله شود یار، خصم جانت
اگر جای دیگر دل داده باشی

بهار آمد که یار جاتم برآید
سر سبزه و گل گردش نماید
بشینیم در لب جوی پیش سبزه
اگر یاد من مسکین نماید

مسمانان در این شهر شمایم
غریب و بیکس و بی آشنایم
چلم را پُر کنید بر مسافر
که امشب اینجا و فردا کجایم

سفر کردی سفرهای دور کردی
دلم را خانه زنبور کردی
دلم را خانه زنبور چه باشه
که زنده زنده ام در گور کردی

بیا جانا بیا جانانه من
بیا شمع و بیا پروانه من
بیا جانا که مردم از فراق
تسلای دل دیوانه من
